



انترناسیونال

۱۸۸

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۳۱ فروردین ۱۳۸۶، ۲۰ آوریل ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر نه جنگ، نه جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم!

صفحه ۲



پیام حزب کمونیست کارگری به مردم آزادیخواه
از معلمان با تمام قوا
حمایت کنید

صفحه ۳

صفحه ۳

هفته همبستگی با معلمان

مصاحبه اشمیت سالامون با مینا احدی و آرزو توکر



از راست به چپ: مینا احدی، اشمیت سالامون و آرزو توکر

میکائیل اشمیت سالامون
آنتیست و اومانیست معروف در
آلمان، فیلسوف و استاد دانشگاه
است. او که سخنگوی سازمان
جردانو پرونو است، یکی از فعالین
حرکتی است که در آلمان به نام
"من از مذهب رویگردانم" به راه
افتاده است. اشمیت سالامون ایده
اولیه این حرکت یعنی اعلام دست

صفحه ۷

به استقبال اول مه برویم

مصاحبه با شهلا دانشفر



شهلا دانشفر

سیاسی اول مه امسال را رقم
میزند و مهر خود را بر آن

صفحه ۴

انترناسیونال: شهلا دانشفر، قبل از
هر چیز کمی درباره شرایطی که
اول مه امسال در آن برگزار میشود
صحبت کنید. چه از لحاظ اوضاع
سیاسی و چه از لحاظ موقعیت
کارگران برای برگزاری اول مه.
شهلا دانشفر: اوضاع پرچنب و جوش
سیاسی کنونی، رشد رادیکالیسم

انترناسیونال

ضیمه ۱۸۸

استیصال

انحلال طلبان راست!

درباره شانناژ "فراکسیون"
علیه قطعنامه دفتر سیاسی
حزب
مقاله ای از فاتح بهرامی
بزودی منتشر میشود

اول مه در ایران قتل عام در عراق سکولاریسم در ترکیه آته ئیسم در آلمان

اول مه در ایران
اول مه فرا میرسد. در آستانه این روز جهانی
کارگران، دو نیرو از دو جبهه مقابل خود را
آماده میکنند. کارگران و تشکلهای کارگری
و احزاب چپ و کمونیست تلاش میکنند این
روز را هر چه باشکوهتر برگزار کنند.
سرمایه داران و دول و احزابشان تلاش
میکند با تمام قدرت مانع برگزاری باشکوه
این روز شوند. اول مه همان قدر برای
کارگران روز اتحاد طبقاتی است که برای
سرمایه داران. کارگران کوشش میکنند
متحدانه در مقیاس بزرگ به خیابان بیایند و
طبقه سرمایه دار متحدانه کوشش میکنند
کارگران را متفرق کند و مانع نمایش
باشکوه طبقاتی کارگران شود. هر چه
کارگران این روز را در ابعادی وسیع و با
مطالباتی رادیکال و سراسری برگزار کنند
همانقدر قدم بزرگی به سمت رهایی خود و
جامعه از نظام طبقاتی برداشته اند.
جنب و جوش در میان فعالین کارگری
شروع شده است. کارگران علیرغم اختناق
اسلامی سرمایه داران، به اشکال مختلف
خود را برای حضور گسترده در این روز آماده

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ستون اول

از صفحه ۱

فراخوان حزب کمونیست کارگری به مناسبت روز جهانی کارگر
زنده باد اول مه!

نه جنگ، نه جمهوری اسلامی، زنده باد سوسیالیسم!

میکنند. در مقابل، جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی سرمایه، حکومت مفتخوران میلیاردر از همین الان دندانها و چنگاله‌هایش را تیز کرده است. به هر حيله و به هر ابزاری دست دراز میکند تا این روز را با کمترین تلفات از سر بگذراند. جمهوری اسلامی ۱۶ آذرها و هشت مارس‌ها را از سر گذرانده است. پرچمی آزادی برابری را دیده است. هنوز شعارهای چپ و رادیکال در این روزها، مثل شعار "سوسیالیسم یا بربریت"، "یک زمین یک انسان"، "یک نژاد آنهم نژاد انسانی" گوشه‌هایش را می‌آزارد. اول مه، میتواند روی دوش ۱۶ آذر ها و هشت مارس های سالهای گذشته بایستد و صدای این شعارها را قدرتمندتر و وسیعتر طنین انداز کند.

جمهوری اسلامی به هر ابزاری که در زرادخانه اش دارد دست دراز کرده است تا مانع برگزاری باشکوه این روز شود. فعالین اول مه سنجیدگی مورد آزار قرار داده است، محمود صالحی را دستگیر کرده است تا به کارگران بگوید چه سرنوشتی میتواند داشته باشند. در کنار ابزار سرکوب، "جشن هسته‌ای" را انداخته است تا جشن پیشرو اول مه کارگران را قربانی توهامات عقب مانده ناسیونالیستی کند.

همانگونه که ۱۶ آذر دیگر فقط به اعتراضات دانشجویی محدود نماند، ۸ مارس فقط به اعتراضات زنان محدود نماند و هر دو روز دانشجویان و زنان کارگران را متحد کرد، اول مه هم باید دانشجویان و زنان معترض و رادیکال و مهمتر از همه معلمان را که در حال اعتصاب هستند، دو شادوش کارگران دیگر برای نبرد با جمهوری اسلامی متحد کند. پیش بسوی اول مه متحد و با شکوه.

قتل عام در عراق

دیروز چهارشنبه در بغداد بیش از ۲۰۰ انسان قربانی ترور و خشونت اسلامیون شدند. بلافاصله فرماندهان ارتش آمریکا اعلام کردند که عراق و دموکراسی در عراق آینده درخشانی دارد! هیچ چیزی بیشتر و روشنتر از وضعیت کنونی عراق نمیتواند ماهیت واقعی ادعاهای سران نظم نوین و میلیتاریسم آمریکا از سرنوشتی که برای مردم خاورمیانه در نظر دارند را تصویر کند. عراق و سرنوشت میلیونها انسان مستاصل

صفحه ۸

اول ماه مه روز همبستگی کارگران برای تغییر جهان وارونه سرمایه داری است. اینک در اوضاع بن بست "نظم نوین جهانی"، در دنیایی که زندگی و حقوق مردم هرروز در جنگ قدرت تروریسم اسلام سیاسی و تروریسم دولتی غرب له میشود، اول مه باید روز همبستگی کارگران و صف بشریت آزادیخواه علیه این قطب های ارتجاعی بورژوازی و برای یک دنیای بهتر باشد.

در ایران، جایی که اسلام سیاسی در قدرت است، طبقه کارگر میتواند نقشی کلیدی در مقابله با جنگ تروریست ها و تهدیدی که هم اینک با خطر حمله آمریکا به ایران، بر مردم ایران و جهان سایه افکنده ایفا کند. سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و حاکمیت مستقیم مردم فوری ترین و عملی ترین راه مقابله مردم ایران با تهدید جنگ است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، یک سوی این کشاکش ارتجاعی را حذف میکند و شرایط را در منطقه و در سراسر جهان به نفع مردم تغییر خواهد داد. سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم میتواند جهانی را به دفاع از کارگران و مردم ایران در مقابل آمریکا و متحدینش به حرکت درآورد و جنبشی عظیم و جهانی برانگیزد.

اکنون جنبش انقلابی عظیمی علیه جمهوری اسلامی جریان دارد که طبقه کارگر ستون آنرا تشکیل میدهد و شعارها و مطالبات سوسیالیستی و آزادیخواهانه اش به لطف جنبش کمونیسم کارگری و حزبی دست بالا دارد. از اعتصابات وقفه ناپذیر کارگران تا اعتصاب سراسری اخیر معلمان که کل جامعه را به حرکت درآورده، از کویینس مهر "سوسیالیسم یا بربریت" بر اعتراضات دانشجویی تا طرح رادیکالترین مطالبات زنان در هشت مارس، از بالاگرفتن جنبش هایی

نظیر دفاع از حقوق کودک و جنبش لغو اعدام با شعارهای چپ و سوسیالیستی تا خواندن "انترناسیونال" سرود بین المللی کارگران در اجتماعات، همه و همه تائیدی بر نقش کلیدی است که طبقه کارگر و سوسیالیسم اش در اوضاع کنونی ایران ایفاء میکند. طبقه کارگر در ایران میتواند و باید تحت پرچم حزبی در پیشاپیش مردم جمهوری اسلامی را سرنگون کند، جمهوری سوسیالیستی را برقرار کند و نه فقط خود، بلکه کل جامعه ایران و مردم جهان را از سرنوشت مدهشی که بن بست بورژواها و جنگشان میتواند بیافریند نجات دهد. اول ماه مه امسال باید قبل از هرچیز انعکاس همسین عزم و اراده و دخالتگری کارگران برای تغییر اوضاع شد.

"نه به جنگ، نه به جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی" جهت گیری اول مه امسال را بیان میکند. اما علاوه بر این بر خواستهای بلافضلی نظیر افزایش دستمزدها باید تاکید کرد که میتواند وسیعترین توده های طبقه از کارگران کارخانه تا معلمان و کارگران بخش های خدمات را متحد کند. آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی خواست مهم طبقه کارگر و همه مردم به جان آمده است که در اول مه باید مثل همیشه بر آن تاکید کرد. خواست های مهم دیگری نظیر آزادی تشکل و اعتصاب، آزادی بیان، برابری بی قید و شرط زن و مرد، لغو آپارتاید جنسی، لغو اعدام، جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش، در اجتماعات و قطعنامه های اول مه مورد توجه کارگران بوده است و امسال از اهمیت بیشتری برخوردار است.

اول مه امسال باید گسترده تر از هر سال، تظاهرات و اجتماعات مستقل برپا شود. اول ماه مه باید

قدرتمندی طبقه کارگر و صف آزادیخواهی و برابری طلبی باشد. درست به دلیل حساسیت اوضاع، در آستانه اول مه رژیم از پیش به تکاپوی بی سابقه ای افتاده است. دستگیری فعالین کارگری، حمله به دانشجویان، حمله به زنان معترض به حجاب، حمله به کارگران مهاجر افغانستانی و حمله به معلمان و رهبران که هم اکنون مبارزه ای پرشور را به پیش میبرند، همه اجزاء یک سیاست واحد و انعکاس وحشت رژیم از جنبش انقلابی سرنگونی و خطری است که اول مه امسال برایش در بردارد. بخش های مختلف طبقه کارگر در اول مه باید متحدانه و در صفی پر قدرت ظاهر شوند، بر ضرورت اتحاد کارگران و معلمان تاکید کنند و علیه گرایشاتی که میکوشد تحت لوای "مبارزه صنفی" بخشهای مختلف طبقه ما را پاره پاره کند بایستند. معلمان باید خود را میزبان اول مه ببینند و با گرایشاتی که سفره معلم را از بقیه جدا میکند به شدت مقابله کنند. یک اول مه پرشور، پرجمعیت، متحد، رادیکال و سوسیالیستی بیش از هر زمان ثمره ایجاد همبستگی بین بخش های مختلف جامعه و متحد کردن آنها به زیر پرچم سوسیالیستی کارگران است.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزادیخواه و برابری طلب، کارگران، دانشجویان، زنان و همه کسانی که از جمهوری اسلامی و نظم ارتجاعی و ضدانسانی سرمایه داری به تنگ آمده اند را به شرکت هرچه گسترده تر در اول مه فرامیخواند. صف پر قدرت اول مه صف قدرتمند همه مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و بدست گرفتن اختیار به دست خود و برقراری آزادی و برابری است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آوریل ۲۰۰۷، ۳۰ فروردین ۱۳۸۶

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

پیام حزب کمونیست کارگری به مردم آزادیخواه از معلمان با تمام قوا حمایت کنید

کارگران و سایر اقشار زحمتکش جامعه را فوراً باز میکنند. پیروزی این مبارزه، یک پیروزی مهم برای کل جنبش آزادیخواهانه مردم به حساب میآید و قدم بزرگی رژیم جنایتکاران و مرتجعان را، رژیم اسلامی سرمایه داران را به سرنگونی نزدیک تر خواهد کرد. کارگران با پیامهای حمایتی خود و شرکت در تجمعات آنها، دانشجویان با دست زدن به اعتصاب در حمایت از معلمان، و همه مردم با شرکت گسترده در تجمعات اعتراضی معلمان، و همراهی با آنها در خارج کشور، لازم است از معلمان پشتیبانی کنند. اول مه نیز نزدیک است. بخش های مختلف جامعه باید خود را برای برگزاری هرچه عظیم تر اول مه و جوش زدن مبارزات خود به یکدیگر آماده کنند و پاسخ همه این سرکوبیها و دستگیری ها را با قدرت در اول مه بدهند.

پیروز یاد مبارزه حق طلبانه معلمان زنده باد جمهوری سوسیالیستی زنده باد اول مه

اصغر کریمی
رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ فروردین ۱۳۸۶

معلمان زندانی، خواست افزایش بالای دستمزد، کمک به حل مسکن آنها، آزادی بیان و اعتصاب و تجمعات اعتراضی و در یک کلام معیشت و منزلت حق معلمان و حق همه ما است. اعتصاب عمومی معلمان الگوئی است که دیر یا زود کل طبقه کارگر باید به آن دست بزند و این رژیم را از پا درآورد. معلمان الگوی مناسبی از مبارزه سراسری و توده ای را در مقابل ما قرار داده اند. ما میتوانیم و باید این مبارزه را به پیروزی کامل برسانیم. وقت پیشروی ما برای آزادی و برابری و در هم کوبیدن جمهوری اسلامی است. وقت جمع شدن پشت مبارزه معلمان است. پیروزی معلمان پیروزی همه ما است و راه را بر تسلیم جمهوری اسلامی در مقابل خواستهای بحق همه ما باز میکند. پیروزی معلمان راه پیروزی

افتاده اند تا مانع جوش خوردن این مبارزات به یکدیگر و یکی شدن آنها شوند. رژیم به ابعاد اعتراض و خشم و عصبانیت مردم واقف است و از آن وحشت دارد و میخواهد با زدن مردم خود را از این موقعیت بحرانی نجات دهد. این وظیفه همه ماست که با تمام قوا به این مبارزه بپیونیم و آنرا به پیروزی برسانیم. باید نشان دهیم که دوره اعراب گذشته است، دوره بی توجهی به خواستهای بحق مردم به پایان رسیده است. نشان دهیم که دوره عقب نشینی های بیشتر برای رژیم شروع شده است. سرنوشت این مبارزه به همه ما مربوط است. باید پیروز کنیم.

کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان، مردم، ایرانیان قلم خارج

مطالبات حق طلبانه معلمان، خواست آزادی فوری و بی قید و شرط

معلمان تا این لحظه قاطع و مصمم به مبارزه خود ادامه داده اند. نه دستگیری ها و تهدیدها و نه وعده وعیدهای ناچیزی که مقامات رژیم مجبور به دادن آنها شده اند، هیچکدام موجب تضعیف این مبارزه و از بین رفتن اتحاد و یکپارچگی معلمان نشده است. برعکس هرروز تعداد بیشتری در اعتصاب شرکت میکنند و به این مبارزه میپیوندند. این مبارزه را باید با تمام قوا حمایت و تقویت کرد.

این مبارزه نه تنها از نقطه نظر معلمان و خواستهای بحق آنها باید مورد پشتیبانی همه جامعه قرار گیرد بلکه بعلاوه بعنوان بخشی از رویارویی مردم با جمهوری اسلامی باید وسیعاً تقویت شود. این روزها ماموران رژیم به جان دانشجویان و زنان و فعالین کارگری و معلمان

بیشک همه شما از مبارزه معلمان و اعتصاب دو روز اخیر آنان مطلع هستید. این بزرگترین اعتصاب معلمان در طول تاریخ این کشور است و جمعیت کثیری از معلمان را دربرگرفته است. این توده ای ترین اعتصاب در طول تاریخ جمهوری اسلامی به حساب میآید. میلیونها دانش آموز در جریان این مبارزه و خواستهای بحق معلمان خود قرار گرفته اند و بعضاً حتی شاهد دستگیری معلمان خود بوده اند. دانش آموزان وسیعاً با معلمان احساس همبستگی میکنند و خود را در مقابل رژیم میبینند. رژیم یخویی خطر این مبارزه را برای خود میشناسد و با دستگیری تعداد زیادی از معلمان در شهرهای مختلف قصد دارد آنها را مرعوب کند و این مبارزه را در هم شکنند.

هفته همبستگی با معلمان

کارخانه ها از معلمان اعلام پشتیبانی کنیم. دختر و پسر بسیج شوم و روز ۳ اردیبهشت خود را به بهارستان برسانیم. در و دیوار محلات را با شعارهایی در دفاع از مبارزه معلمان پر کنیم. در هر محله کانونها و کمیته هایی برای توضیح اهمیت این مبارزه و برای به حرکت درآوردن مردم ایجاد کنیم.

کارگران، دانشجویان، دانش آموزان، مردم آزاده! مبارزه معلمان مبارزه همه ما است! آنها را تنها نگذاریم! در هفته همبستگی با معلمان در سراسر کشور با تمام قوا ب میدان بیاییم و از هر طریق ممکن از مبارزات و خواستهای بر حق معلمان پشتیبانی کنیم.

اتحاد و همبستگی همه ما شرط پیروزی ما است زنده باد اتحاد و همبستگی زنده باد همبستگی با مبارزه معلمان حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آوریل ۲۰۰۷، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۶

مدرسه و اداره و محلات شهرها همه جا، به هر شیوه که میتوانیم این مبارزه را تقویت کنیم. در خارج با برگزاری میتینگ و تظاهرات، با بسیج سازمانهای کارگری و سازمانهای معلمان در دفاع در این مبارزه، و با شبهای همبستگی با معلمان، و در داخل کشور با ایجاد کمیته های حمایت از معلمان، دوستان و همکارانمان را بسیج کنیم که به این مبارزه بپیوندند. روز دوشنبه ۳ اردیبهشت قرار است معلمان در مقابل مجلس تجمع کنند. از همه جا بطرف تجمع معلمان سرازیر شویم و در کنار معلمان قرار بگیریم. در دانشگاهها دست به تجمع و میتینگ و سخنرانی بزنیم و از معلمان دفاع کنیم. دانشگاهها را تعطیل کنیم و به تجمع معلمان بپیونیم. در

دستور گذاشته است. بجان فعالین و رهبران معلمان افتاده است. برای پیشگیری از تجمع ۳ اردیبهشت، مدارس را از اول تا سوم اردیبهشت، بعنوان تعطیلات بهاره تعطیل اعلام کرده است تا با ایجاد شرایط غیر عادی دو دلی ایجاد کند و جلو اتحاد و تجمع بزرگ را بگیرد. پاسخ جامعه به این ترفندهای رژیم، باید گسترش حمایت و پشتیبانی باشد.

مبارزه معلمان رو به گسترش است. علیرغم همه دستگیریها و سرکوبها معلمان کوتاه نیامده اند و مصممانه به مبارزه ادامه میدهند. باید با تمام قوا از جنبش معلمان حمایت کرد. بیاتید این هفته را به هفته همبستگی با معلمان تبدیل کنیم! بیاتید در حمایت از آنها همه جا دست به کار شویم. در خارج و در داخل. در دانشگاه و کارخانه، در

زنان علیه حجاب و زورگویی ما سرعت همه گیر میشود. میدانند که این پیروزی شکست سیاسی بزرگی برای حکومت است. میدانند که پیروزی معلمان، جنبش آزادیخواهانه مردم برای سرنگونی حکومت را بمراتب تقویت میکند و بجلو میراند. و از همین رو با تمام قوا تلاش میکنند این مبارزه را به شکست بکشاند. باید با حمایت همه جانبه از معلمان تلاشهای حکومت را نقش بر آب کنیم.

معلمان اعلام کرده اند که روز دوشنبه ۳ اردیبهشت، دست به اعتصاب میزنند و در مقابل مجلس تجمع میکنند. رژیم تلاش همه جانبه ای برای شکست این مبارزه در

مبارزه معلمان یکی از مهمترین و توده ای ترین مبارزات مردم حق طلب و ستمدیده و آغازگر دوره تازه ای از مبارزات توده ای علیه رژیم است. خواست معلمان خواست همه کارگران و زحمتکشان جامعه است و پیروزی این مبارزه، نه فقط پیروزی معلمان بلکه پیروزی همه مردم و یک گام بلند بجلو در جنبش مردم علیه جمهوری اسلامی خواهد بود.

رژیم میدانند که پیروزی این مبارزه، موفقیت بزرگی برای همه مردم است. میدانند که اگر معلمان پیروز شوند، اعتصابات کارگری وسیعتر میشود. اعتصابات و اعتراضات دانشجویی باز هم گسترش می یابد. مبارزه جوانان و

شعارها و سیاستهای حزب را بدون جامعه ببرد و بدین ترتیب مهر سیاسی ما کمونیست ها را بر سیر تحولات جاری بکوبد و نماینده حضور قدرتمند حزب در محل باشد. طبعاً لازمه ایفای چنین نقشی ارتباط فعال با ماست. در ارتباط منظم با ما باشید. برایمان اخبار و گزارش بفرستید. ما را در جریان

صفحه ۵

کنونی را می یابد. شما حتما میتوانید در این زمینه نقش موثری داشته باشید. انتظار اولیه ما از هر عضو و انسانی کمونیستی که به این حزب می پیوندد، همین است که حزب را به مردم شناساند. انسانهای هر چه بیشتری را مثل خود کمونیست کند و به حزب جذب نماید. نوشته ها و مطالب حزب را وسیعاً بدست دیگران برساند.

هابتان اطلاعات مشخص از خودتان و دوستانتان دهید تا مشکلی برای شما ایجاد نشود. من هم با تاکید شما بر شناساندن حزب در جامعه موافقم و راستش در اوضاع سیاسی امروز این کار حیاتی است. با این کار یک معلم، یک کارگر و یک انسان آزادیخواهی که مبارزه میکند، آفق و چشم انداز روشنی از مبارزه و راه برون رفت از اوضاع

ببریم و بیشتر از پیش مردم را با اهداف و نیات حزب آشنا کنیم که در این مورد هم میتوانم کمک موثری باشم.

ورگا آریان

دوست عزیز ورگا متشکرم که پاسخ نامه من را دادید و به سئوالاتی که طرح کرده بودم پاسخ دادید. از شما میخواهم که دقت کنید در نامه

نامه ها

نامه ای به شهلا دانشفر با سلام و تشکر از جواب نامه، خانم دانشفر من اکنون در رشته ای تخصصی درس میخوانم. تا کنون موفق به مطالعه نشریات حزب نشده ام. به نظر من بهتر است تا حزب کمونیست کارگری را به میان مردم

از صفحه ۱ مصاحبه با شهلا دانشفر

میگوید.

واقعیت اینست که در یکسال اخیر کارگران و مردم با اعتراضاتشان عملاً سیاست ارباب جامعه توسط دولت احمدی نژاد را به شکست کشاندند. این کار را کارگران واحد با اعتراضات گسترده شان، کارگران در دیگر بخش های جنبش کارگری با مبارزات هر روزه شان و مردم با مبارزات با اعتراض و مبارزه شان انجام دادند. احمدی نژاد را در دانشگاه هو کردند و عکسش را به آتش کشیدند و امروز ما در شرایطی به استقبال اول مه میرویم که جامعه در التهاب مبارزه میسوزد و اعتراض همه بخش های جامعه را فرا گرفته است. اعتراضات کارگری هر روزه و وسیع بوقوع می پیوندند و بویژه اعتراضات با شکوه معلمان و برپایی تجمعات هزاران نفره و اعتصابات سراسری توده ای و گسترده از سوی آنان کل جامعه را به تحرك در آورده است و توازن قوای سیاسی جامعه را تغییر داده است. اینها همه تب و تاب سیاسی جامعه را بالا برده است.

در متن چنین فضای پر تب و تاب این چپ است که هر روز جلوتر می آید و مهر خود را با بیانیته هایش، قطعنامه هایش و با شعارها و خواستههایش بر سیر تحولات جاری میکوبد. این را در شانزده آذر سرخ با پلاکاردهای یا سوسیالیسم یا بربریت، یک کره زمین یک انسان و دیگر شعارهای آذیخواهانه و برابری طلبانه اش دیدیم. در هشت مارس و تلاش و مبارزه چپ برای برپایی هشت مارس با پرچم آزادی برابری و حجاب برگیران بعنوان سمبل و پرچم رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی شاهد بودیم و با خواندن سرود انترناسیونال در مناسبتهای مختلف بعنوان سرود آزادی و همبستگی می بینیم. موقعیت کارگران نیز روشن است. همانطور که اشاره کردم این کارگران بودند که در واقع پروژه احمدی نژاد را به شکست کشاندند و این مبارزه هر روزه آنانست است که تاثیر خود را بر فضای کل جامعه و در شانزده آذر ها و حتی مبارزات گسترده معلمان میگذارد. بطور مثال سال گذشته رژیم به کارگران اعتصابی شرکت واحد حمله کرد. صدها کارگر معترض را راهی زندان کرد. اما این اعتراضات آنچنان ابعاد گسترده ای پیدا کرد که در سطح جهانی انعکاس وسیعی یافت و ما

شاهد ۱۵ فوریه روز همبستگی جهانی با کارگران ایران بودیم و نتیجه آن عقب نشینی فوری رژیم و آزادی بخش عمده این کارگران بود که در واقع خود به یک شکست سیاسی برای رژیم تبدیل شد. بدین ترتیب کارگران جلوی صحنه سیاسی جامعه قرار گرفتند. یا اینکه اول مه سال گذشته خانه کارگر و شوراهای اسلامی تلاش کردند با شعار انرژی هسته ای حق مسلم ماست کارگران را به پشت رژیم بکشاندند. اما کارگران با شعار نه جنگ نه بمب اشتغال اشتغال، آزادی برابری حق مسلم ماست جواب همه آنها را دادند و صف خود را جدا کردند و مارش عظیم اول مه را بر پا داشتند.

اینها همه نمونه هایست که موقعیت طبقه کارگر در شرایط امروز را نشان میدهد. طبقه ای که هر روز متشکل تر میشود و با تلاش هر روزه برای ایجاد تشکل های خود و اعلام آنها عملاً حق تشکل را به عنوان امر خود کارگران دارد به دولت تحمیل میکند. کارگر دارد اعتراض را علیه تعیین دستمزد توسط دولت اعلام میکند و میگوید خودش باید میزان آنرا تعیین کند و دارد رقم اعلام میکند. نمونه آنرا در کرمانشا دیدیم که کارگران انجمن صنفی برق و فلز در آنجا با برپا داشتن پلاکاردها در میادین شهر گفتند دستمزد کارگران نباید از ۶۰۰ هزار تومان کمتر باشد و میبینیم که کارگر، معلم، پرستار دارند یک حرف را میزنند و میگویند دیگر حاضر نیستند زیر خط فقر زندگی کنند. اینها همه نشان دهنده موقعیت امروز کارگران است و بدون شک این خود فاکتورست که در قدرتمند تر ظاهر شدن کارگر در روز اول مه تاثیر میگذارد. حال به همه این مولفه ها اوضاع بین المللی را نیز اضافه کنیم. می بینیم که در چه شرایط خطیری به استقبال اول مه میرویم و چگونه چشمان دنیا بطرف مبارزات مردم ایران و بویژه بسوی کارگران است.

انترناسیونال: شهلا دانشفر، روشن است که اول مه یک روز مهم برای جنبش کارگری است. مشخصاً در ایران، اهمیت سیاسی برگزاری اول مه چیست؟

شهلا دانشفر: اول مه روزکیفر خواست طبقه کارگر علیه سرمایه داری است. روزی علیه سرمایه و طبقه حاکمه است. روز قدرتمندی طبقه کارگر

است. روزی است که طبقه کارگر فرصت می یابد که قدم جلو بگذارد و خواستههایش را مقابل جامعه بگذارد. روز اتحاد و همبستگی است. بنابراین خصلت این روز و سابقه تاریخی آن در جنبش کارگری جهانی جایگاه ویژه ای به آن میدهد. بویژه در جامعه ای چون ایران که طبقه کارگر از اولیبه ترین حقوق انسانی محروم است، فقر و استثمار پیدا میکند، محیط های کار عملاً به قتلگاه کارگران تبدیل شده است و کارگر کمترین تامین جانی را ندارد، بخش عمده کارگران بصورت قراردادهای موقت برده وار بکار گرفته شده اند و بیکاری به یک کابوس دایمی کارگر تبدیل شده است و از همه مهمتر کارگر از حقوق پایه ای خود حق تشکل و حق اعتصاب محروم است و طبقه کارگر معترض ترین بخش جامعه است، اول مه بیش از پیش به روز اعتراض کارگر علیه وضع موجود و علیه توحش سرمایه تبدیل شده است و برپایی اول مه در ایران همواره یک موضوع کشاکش کارگران با رژیم بوده است. بعلاوه اینکه فاکتور اوضاع سیاسی ایران و موقعیت امروز ایران در سطح جهانی رنگ سیاسی تر و جایگاه مهمتری به این روز در ایران میدهد. همانطور که بالاتر اشاره کردم در اوضاعی که جنبش اعتراضی کارگری یک رکن مهم تحولات سیاسی جامعه است و طبقه کارگر هر روز وزن سنگین تری پیدا میکند، در شرایطی که بیش از هر وقت توجه دنیا بطرف جامعه ایران و طبقه کارگر است، اول مه بیش از هر وقت جایگاه سیاسی و مهمی پیدا میکند و امروز به یک نگرانی جدی رژیم تبدیل شده است. خصوصاً امسال همانطور که بالاتر اشاره کردم ما در شرایطی به استقبال اول مه میرویم که با اعتراضات گسترده و با شکوه معلمان رویرویم. دانشگاهها در جنب و جوش است و همه جا اعتراض است و خواستههای سراسری ای کل اعتراضات در جامعه را به هم پیوند میدهد، ما شاهد اتفاقاتی چون شانزده آذر و تجمعات هزاران نفره معلمان در مقابل مجلس و غیره بوده ایم و اینها همه توجه ها را بیشتر به جایگاه این روز و موقعیت طبقه کارگر جلب میکند.

انترناسیونال: اهمیت سیاسی جلوگیری از برگزاری اول مه قدرتمند برای جمهوری اسلامی چیست؟

شهلا دانشفر: وحشت رژیم از جنبش

سرنوینی قدرتمند و انقلابی است که دارد به جلو میرود و وحشت از شکل گیری یک اعتراض عمومی و متحد در کل جامعه است. واقعیت اینست که برگزاری یک اول مه قدرتمند در شرایطی سیاسی ای که بالاتر اشاره کردم، یک شکست سیاسی مهم برای رژیم و یک موقعیت جدید برای جنبش اعتراضی مردم است. یک اول مه قدرتمند میتواند سرازاری برای گسترش اعتراضات سراسری در کل جامعه باشد و رژیم خطر آنرا با تمام وجود حس میکند و میخواهد مانع وقوع آن شود. در فضای سیاسی امروز جامعه نیز بیش از هر وقت میتوان دید که اول مه روز مهمی نه تنها برای کارگران بلکه برای همه مردم است و رژیم نیز تلاش دارد کل جامعه را مورد فشار قرار دهد. از جمله می بینیم که روز ۲۰ فروردین به بهانه گفتگو بر سر اول مه سراغ محمود صالحی میرود و او را ربوده و به زندان سندانج منتقل میکنند. فعالین کارگری در شهرهای مختلف را تحت فشار قرار میدهد. معلمان معترض را دستگیر و زندانی میکند و در کنار همه اینها از اول اردیبهشت طرح مبارزه با بدحجابی را اعلام کرده است و در دانشگاهها با دستگیری و ربودن دانشجویان مبارز میخواهد فضای رعب را حاکم کند. اما علیرغم همه این فشارها روحیه اعتراضی بسیار بالاست و این تعرضات دارد با تجمعات اعتراضی و شکل گیری همبستگی های کارگری و اعتراض و مبارزه پاسخ میگیرد.

انترناسیونال: به نظر میرسد حکومت اسلامی از همین الان تلاش میکند از برگزاری اول مه توسط کارگران جلوگیری کند. کمی در باره جنبه های مختلف این تلاش صحبت کنید. چه روشهایی از طرف حکومت بکار برده میشود. آیا حکومت اسلامی در موقعیتی هست که بتواند مانع برگزاری باشکوه اول مه شود؟ چگونه میتوان اقدامات رژیم را خنثی کرد؟

شهلا دانشفر: جمهوری اسلامی هر ساله تلاش کرده است به طرق مختلف مانع از برگزاری تجمعات مستقل کارگران در اول مه شود. از تهدید فعالین کارگری گرفته تا حمله به تجمعات مستقل کارگران در این روز، تا برگزاری مراسم دولتی و برپایی نمایش های مسخره ای چون اهدای جایزه به کارگران نمونه و دادن رنگ اسلامی و حکومتی به این روز

و جلوگیری از به تعطیل درآمدن کامل این روز توسط کارگران شیوه های مختلف رژیم در مقابل با اول مه بوده است. از جمله سال هشتاد و سه بود که فعالین کارگری در اول مه در سفر را دستگیر کرد و پرونده آنان هنوز باز است و اکنون در استانه اول مه دوباره محمود صالحی را دستگیر و راهی زندان کرد. اینها همه شرکدهای همیشگی جمهوری اسلامی در تقابل با برگزاری اول مه توسط کارگران است. اما تفاوتی که امسال شاهدش هستیم اینست که اکنون رژیم از ترس به هم پیوند خوردن اعتراضات موجود، تلاش دارد تا کل جامعه را مورد تعرض قرار دهد. به این معنی که علاوه بر تهدید فعالین کارگری، در دانشگاهها دانشجویان معترض را زیر فشار گذاشته و دست به ربودن دستگیری آنها زده است، به بهانه مبارزه با بدحجابی میخواهد دوباره اوباش حزب الله را به خیابان بکشاند. و این بیش از هر چیز به اوضاع سیاسی امروز و ویژگی های این اول مه ربط پیدا میکند. همانطور که گفتم رژیم از گسترش یک اعتراض عمومی سراسری بیم دارد. از گسترش مبارزه معلمان به هراس افتاده است و از اول مه میترسد. اما تا همین جا اوضاع بخوبی نشان داده است که رژیم قادر به ادامه این تعرضات نیست. اعتراض گسترده برای آزادی محمود صالحی و جنب و جوش وسیعی که هم اکنون برای برپایی اول مه وجود دارد، گویای این حقیقت است که امسال اول مه بزرگ و با شکوه خواهد بود. قبلاً هم اشاره کردم پروژه ارباب جامعه توسط احمدی نژاد مدتهاست که شکست خورده است و اینها همه تقلاهایی در اوج استیصال است. در همین هفته دیدیم که در مقابل ربودن شدن بیژن صباغ دانشجوی دانشگاه مازندران و از فعالین این دانشگاه که در جریان یک آدم ربایی توسط نیروهای اطلاعاتی امنیتی جمهوری اسلامی ربوده شده بود، چه اعتراض وسیعی در سراسر دانشگاهها برپا شد و رژیم ناگزیر شد او را آزاد کند. و یا در خمینی شهر دیدیم که چگونه معلمان با تجمع شبانه خود همکاران در بند خود را از زندان آزاد کردند. اینها اتفاقات مهمی است و فضای سیاسی امروز را نشان میدهد. بنابراین پاسخ سؤال شما در مورد اینکه چگونه میتوان با مانع تراشی های رژیم مقابله کرد،

معلمان کشور دست به اعتصاب سراسری زدند

اطلاعیه شماره ۲۴

به گزارش سهراب بهره مند گزارشگر حزب کمونیست کارگری، امروز یکشنبه ۲۶ فروردین معلمان تهران اعتصاب وسیعی را شروع کرده اند. دو روز اعتصاب سراسری در روزهای یکشنبه و دوشنبه ۲۶ و ۲۷ فروردین (۱۵ و ۱۶ آوریل) بخشی از فراخوان

ابتدائی باز بود، ولی تدریسی صورت نگرفت. علاوه بر تهران، بنا به گزارشهای رسیده از شهرهای اصفهان، همایون شهر، شاهین شهر، شهرستان فلاورجان و بخش پیریکران، بجنورد، اسلامشهر، شهرهای شازند، خمین، اراک، تفرش، فراهان، دلجان، کرج، سقز، بوکان، همدان، الیگودرز، اردبیل، کرمان، ارومیه، تبریز و بروجن اکثر مدارس در این شهرها در اعتصاب بودند. در اسلامشهر معلمان بخاطر اعتصاب مورد تهدید قرار گرفتند. به آنها اخطار شد که حق جمع شدن در مدرسه را ندارند و مدارس را خواهند بست!

کانون صنفی معلمان بود. گزارشگر حزب میگوید که ۹۰ درصد مدارس تهران که او امروز با آنها تماس گرفته و یا به آنها سر زده است در اعتصاب بوده اند. گفته میشود که مدارس که به دلیل بی اطلاعی و یا دلایل دیگر امروز اعتصاب نکرده اند فردا به اعتصاب خواهند پیوست.

پرونده سازی برای آنها و نیز افزایش دستمزد بر اساس اجرای نظام هماهنگ دستمزدها، تامین مسکن و آزادی بیان و خواستههای مهم دیگری هستند. حزب کمونیست کارگری کارگران، دانشجویان و همه مردم آزادیخواه را به همبستگی با معلمان و حمایت قاطع از خواستهای بحق آنها فرامیخواند. معلمان زندانی، دانشجویان و کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی فوراً و بی قید و شرط باید

آزاد شوند دستگیری و تهدید و اذیت و آزار معلمان فوراً باید پایان داده شود و همه پرونده ها و وثیقه ها باطل اعلام شود.

اعتصاب و تجمع و آزادی بیان حق مسلم معلمان و همه مردم است

مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ آوریل ۲۰۰۷، ۲۶ فروردین ۱۳۸۶

دومین روز اعتصاب سراسری معلمان با قدرت انجام شد

اطلاعیه شماره ۲۵

اعتصاب سراسری معلمان که از دیروز یکشنبه ۲۶ فروردین شروع شده بود، امروز دوشنبه نیز با قدرت ادامه یافت. اعتصاب دو روزه معلمان طبق تصمیم از قبل و علیرغم دستگیری های وسیع و تهدیدات مختلف انجام شد. در میان معلمان بحث از ادامه اعتصاب در روزهای آینده است.

طبق گزارش دیگری، روز ۲۶ فروردین از ۹ نفر معلم دستگیر شده کانون صنفی معلمان همدان، ۵ نفر بنام جلیلیان، فروزانفر، صادقی، نادری و نجفی پس از نزدیک به ده روز از زندان آزاد شدند. زارعی، قدیمی، رفاهیت و غلامی همچنان در بازداشت به سر می برند. در همایون شهر در استان اصفهان روز ۲۶ فروردین چند نفر از معلمان معترض به اسامی مجتبی ابطی، عبدالرسول عمادی، نورالله برخوردار و حمید مجیری به ستاد خبری احضار شدند که پس از مراجعه دستگیر و هنوز از محل بازداشت آنها اطلاعی در دست

در تهران همانطور که در گزارش روز قبل به اطلاع رساندیم اکثر قریب به اتفاق مدارس در اعتصاب بسر بردند. گفته میشود که مدارس راهنمایی و دبیرستانها در اعتصاب کامل بودند اما برخی از مدارس

در کرمان رئیس آموزش و پرورش، معلمان را به توطئه چینی علیه نظام متهم کرد و تعدادی نیز بازداشت شدند. لازم به یادآوری است که روز ۲۵ فروردین نیز آقایان حمید پور وثوق، علیرضا رضایی و محمد رضا رضایی بازداشت و به زندان اوین منتقل شدند. معلمان خواهان آزادی فوری همکاران خود، پایان دادن به دستگیری و اذیت و آزار معلمان و پرونده سازی برای آنها و نیز افزایش دستمزد بر اساس اجرای نظام هماهنگ دستمزدها، تامین مسکن و آزادی بیان و خواستههای مهم

دیگری هستند. حزب کمونیست کارگری کارگران، دانشجویان و همه مردم آزادیخواه را به همبستگی با معلمان و حمایت قاطع از خواستهای بحق آنها فرامیخواند.

معلمان زندانی، دانشجویان و کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی فوراً و بی قید و شرط باید آزاد شوند

دستگیری و تهدید و اذیت و آزار معلمان فوراً باید پایان داده شود و همه پرونده ها و وثیقه ها باطل اعلام گردد.

اعتصاب و تجمع و آزادی بیان حق مسلم معلمان و همه مردم است.

مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ آوریل ۲۰۰۷، ۲۷ فروردین ۱۳۸۶

معلمان خمینی شهر با تجمع اعتراضی خود معلم زندانی را آزاد کردند

اطلاعیه شماره ۲۶

معلمان خمینی شهر با تجمع اعتراضی خود در محل اداره آموزش و پرورش این شهر، همکار خود، آقای ابطی را آزاد کردند. در این تجمع که در ساعت ۱۱ شب گذشته برگزار شد بیش از ۲۰۰۰ نفر شرکت داشتند.

مقامات آموزش و پرورش برای جلوگیری از تجمع به معلمان اطلاع دادند که آقای ابطی آزاد شده است و از معلمان خواستند که به تجمع خود پایان دهند. اما معلمان در محل ماندند و دولت را مجبور کردند ابطی را ساعت ۱۱ و نیم شب آزاد کند. معلمان با تقدیم گل به

ابطی و توزیع شیرینی در میان حاضرین از او استقبال کردند. همکاران با تقدیم گل و پخش شیرینی از ایشان استقبال نمودند. معلم آزاد شده و یکی دیگر از مسئولین کانون صنفی که در این تجمع حضور داشتند بر تداوم مبارزه و از جمله تجمعات اردیبهشت ماه

تاکید کردند. مبارزه معلمان خمینی شهر، یک الگوی مناسب برای همه معلمان و همچنین کارگران و دانشجویان است. در مقابل دستگیری باید دست به تجمع زد، مردم را فراخواند و متحد و یکپارچه بر خواست خود ایستادگی کرد و رژیم را وادار به آزادی همکاران

خود کرد. رژیم در موقعیت ضعیفی است و از تداوم اعتصاب و تجمعات اعتراضی معلمان شنیدنا وحشت دارد. از این موقعیت باید برای آزادی معلمان دستگیر شده و عقب راندن رژیم در مقابل خواستههای بحق معلمان استفاده کرد.

بیروز یاد مبارزه متحدانه معلمان
مرکز بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری

برنامه های تلویزیون انترناسیونال

برنامه های انترناسیونال همه روزه، تا راه افتادن تلویزیون ۲۴ ساعته حزب در شبکه هات برد، از ساعت ۳ و نیم تا ۴ و نیم عصر به وقت تهران (۲ تا ۳ بعدازظهر به وقت اروپای مرکزی، ۵ تا ۶ صبح به وقت لس آنجلس) از کانال یک پخش میشود.

این برنامه هر روز از ساعت ۱۱ و نیم تا ۱۲ و نیم ظهر به وقت ایران، ۱۲ تا ۱ نیمه شب به وقت لس آنجلس، ۹ تا ۱۰ صبح به وقت اروپای مرکزی تکرار میشود.

آدرس کانال جدید:

<http://www.newchannel.tv/> برای تماشای برنامه از طریق اینترنت

<http://www.channelonetv.com/> برای تماشای مستقیم

شماره تلفن تماس با کانال جدید:
001-323 284 42 82

نامه ها

برایشان نشریات و کتب منتشر شده حزب از جمله آثار و نوشته های منصور حکمت را که در واقع حاوی مبانی پایه ای کمونیسم کارگری است برایشان ارسال کنیم. بازهم از شما تشکر میکنم و من و همکارم سوسن صابری منتظر نامه های بعدی شما هستیم. *

به خاطر تراکم مطلب در این شماره نتوانسیم همه نامه ها را درج کنیم. در شماره بعد بقیه نامه ها به رهبری حزب را خواهید خواند
انترناسیونال

مسائل مبارزاتی ای که در محل پیش می آید قرار دهید. نشریات و تلویزیون حزب را به دیگران معرفی کنید. ما اسم شما را در لیست هزاران نفره خود میگذاریم و امیدوارم که بعد بطور مرتب نشریات را دریافت کنید. اگر از دوستان و آشنایانتان آدرس ای میل دارید برای ما بفرستید تا اسامی آنها را نیز در لیست ارسال نشریات خود بگذاریم و

از صفحه ۴ مصاحبه با شهلا دانشفر

همین دو نمونه خود الگوهای خوبی به کل جامعه بدست میدهد. در هر حال با یک همبستگی وسیع است که میتوان در مقابل رژیم ایستاد و اول مه را به شروعی بر یک اعتراض گسترده و سراسری در کل جامعه تبدیل کرد. حمایت قوی و محکم از اعتراضات معلمان است که میتوان جنبش اعتراضی در کل جامعه را به جلو برد و فضای سیاسی را متحول کند. بنابراین تاکید من بر اتحاد و همبستگی به عنوان یک حلقه کلیدی در پیشروی ما در اوضاع کنونی است. باید با اعتراضاتمان کاری کنیم که محمود صالحی و معلمانی که هم اکنون در زندان هستند فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود. باید با اشکال مختلف از جمله ایجاد کمیته های همبستگی با معلمان در دانشگاه ها و در محلات، با برپایی شب های همبستگی، با دست زدن به اعتصابات حمایتی از مبارزات معلمان در دانشگاهها و در کارخانجات و مانند ابتکاری که کارگران در سندانج انجام دادند، با تشکیل کمیته های مبارزه برای آزادی محمود صالحی و همه زندانیان سیاسی و ابتکارات دیگری از این دست جمهوری اسلامی را عقب راند و نه تنها به تدارک یک اول مه با شکوه و بزرگ رفت که چشمان دنیا را بطرف خود خیره کند، بلکه در موقعیت جدیدی برای پیشبرد اعتراضاتمان قرار گیریم.

انترناسیونال: حکومت اسلامی هر سال سعی میکند در اول مه مراسم دولتی راه بیناندازد. هدف از این کار چیست؟ در کل در مقابل مراسم دولتی حکومت اسلامی چه باید کرد؟

شهلا دانشفر: نگاهی به برخورد جمهوری اسلامی به اول مه از آغاز روی کار آمدنش تا کنون بیش از هر چیز نشانگر رشد جنبش کارگری در ایران است. در ابتدا رژیم وجود این روز و وجود کارگر را منکر میشد. اما کارگران با مبارزاتشان در مقابل رژیم ایستادند و در عمل این روز را به رژیم تحمیل کردند. پس از آن رژیم تلاش کرد با اعلام هفته کارگر نفس این روز را بعنوان یک روز همبستگی بین المللی کارگری مخلوش کند. اما این هم نگرفت و در کل برپایی اول مه مستقل توسط خود کارگران، یک موضوع کشاکش دایمی آنها بوده است.

یک شیوه معمول جمهوری اسلامی برای مقابله با اول مه مستقل و رادیکال کارگری، جلو انداختن مزدوران خانه کارگر و شوراها و اسلامی و برپا کردن مراسم و تجمعات دولتی با شعارهای حکومتی و اسلامی است. یک کار مهم کارگران نیز هرساله خنثی کردن تلاش رژیم و پادوهای خانه کارگر و شوراها و اسلامی در مخدوش کردن اول مه و برپایی مراسم مستقل خود است. در مراسم دولتی هر سال رژیم تلاش میکند تا با ترتیب دادن نمایش هایی چون دادن جایزه به کارگرانی که مطیع احکام انضباطی کارفرما و دولت بوده اند، تحت عنوان کارگران نمونه جای پای نیروهای خود در کارخانجات را محکم کند. اما امروز میبینیم همه این اقدامات به حاشیه رفته است و دیگر جایی در برگزاری اول مه ندارد.

می بینیم مراسم دولتی عملاً به صحنه ابراز وجود سیاسی کارگران و اعتراضی وسیع در مقابل دولت و خانه کارگر و شوراها و اسلامی تبدیل شده است. از جمله این را در اول مه سال گذشته و سال قبلتر آن دیدیم. در اول مه سال ۸۴ کارگران سالن ۱۲ هزار نفره استادپوم ورزشی را تخلیه کردند و عملاً کمپین انتخاباتی رفسنجانی را به شکست کشاندند و سال گذشته نیز کارگران مراسم دولتی رژیم را بر هم زدند و با مارش عظیم خود به خیابانها آمدند و با شعار اشتغال اشتغال حق مسلم ماست و با فریاد زدن خواستهایشان جواب دندان شکنی به رژیم و به خانه کارگر و شوراها و اسلامی دادند و عملاً اعلام کردند این خود مردم هستند که در باره سرنوشت خود تصمیم میگیرند و با اعتراض خود و با شعارهایشان اعتراض خود را علیه دو قطب تروریست جهانی اعلام داشتند. امسال هم فعالین کارگری باید گوش بزرگ باشند و با آمادگی کامل علاوه بر تدارک برپایی مراسمهای مستقل، آمادگی کافی برای اینکه این مزدوران رژیم را با شکست روبرو سازند را داشته باشند. باید مراسمهایشان را بر هم زد و خیابانها را از آن خود کرد و تظاهرات خود را براه انداخت. باید با شعار شوراها و اسلامی منحل باید کرد و با شعار علیه جمهوری اسلامی و جنگ و بمب اتمی و نظام حاکم و با فریاد یا سوسیالیسم یا بربریت مارش عظیم و قدرتمند اول مه را با سرود

انترناسیونال براه انداخت و با این کار بساطشان را جمع کرد.

انترناسیونال: از طرفی اول مه روز اتحاد طبقاتی کارگران است. از طرف دیگر کارگران در ایران از تشکلهای سراسری محرومند. این واقعیت یک مانع در مقابل برگزاری سراسری تر و متحدانه تر این روز است. برای مقابله با این مانع چه میتوان کرد؟

شهلا دانشفر: روشن است که اگر طبقه کارگر در ایران تشکلهای سراسری خود را داشت، طبقاً جنبش کارگری و جنبش اعتراضی در سطح جامعه امروز در شرایط بسیار قدرتمندتری قرار داشت و محرومیت طبقه کارگر از این حق اولیه و پایه ای یک مانع بزرگ در جنبش کارگری و سراسری شدن اعتراضاتش است. بنابراین همانطور که شما نیز اشاره کرده اید طبقاً این مانع خود را در برپایی یک اول مه متحد و سراسری نیز نشان میدهد. برای مقابله با این مانع کارگران کمونیست و رهبران کارگری نقش مهمی دارند.

اولین گام برای مقابله با این مانع، بحث بر سر اول مه و ضرورت یک اتحاد سراسری و گسترده در مجامع عمومی کارگری است. بحث بر سر ضرورت حمایت وسیع از مبارزات معلمان و مقابله با تعرضات رژیم در سطح جامعه است. باید قبل از هر چیز کارگران را برای اول مه بعنوان روز اعتراض عمومی کارگران و کل جامعه آماده کرد. گام دوم استفاده از فرصتی است که به فرارسیدن اول مه باقی مانده است. این مدت میتواند هفته همبستگی و اتحاد کل جامعه با معلمان و تلاش برای جلب وسیعترین حمایت ها از مبارزات آنان باشد. دو هفته مبارزه برای تقابل با تعرضات رژیم و برای آزادی دستگیر شدگان از جمله محمود صالحی، معلمان دستگیر شده و همه زندانیان سیاسی باشد.

گام بعدی متحد شدن حول خواستهای مشترک است. بطور واقعی امروز اعتراضات بخش های مختلف جامعه را خواستهای مشترکی بهم پیوند میدهد. از جمله همین امروز خواست افزایش حقوقها خواست اصلی و مهم معلمان است و دارند از ارقامی چون حداقل یک میلیون یا نهصد هزار تومان صیحت میکنند. خواست افزایش حقوقها نه تنها خواست معلمان بلکه خواست همه کارگران، پرستاران، بازنشستگان و بخش های مختلف

جامعه است. میشود حول این خواست متحد شد و با بیانیه های مشترک متحد شد و نه تنها برای اول مه بلکه برای شکل دادن به یک اعتراض همگانی و عمومی حرکت کرد. در واقع اول مه میتواند شروعی باشد برای گسترش اعتراضات در کل جامعه، با پلاتفرمی که در قطعنامه های اول مه خود را بیان کند. جامعه ای که کیفرخواست خود را علیه سرمایه داری اعلام میکند و سوسیالیسم را فریاد میزند.

در همین راستاست که میتوان برای اول مه با تشکیل کمیته های مشترکی که از رهبران کارگران، معلمان و از تشکلهای مختلفی که از سوی خود کارگران و معلمان شکل گرفته و هم اکنون رهبران این اعتراضات هستند، به تدارک یک اول مه بزرگ و وسیع و توده ای رفت.

انترناسیونال: چه شعارها و مطالبات سراسری را باید در این روز برجسته کرد؟

شهلا دانشفر: شعارهای اول مه باید رنگ اوضاع سیاسی امروز ایران را داشته باشد. رادیکال، سرخ، چپ و سوسیالیستی باشد. در اول مه امسال باید با شعار سوسیالیسم یا بربریت نشان دهیم که کمونیسم در ایران قدرتمند در صحنه سیاسی جامعه حضور دارد و بار دیگر حاشیه ای بودن دیگر آلترناتیو های بورژوازی را به نمایش گذاشت و شعارهای سوسیالیسم یا بربریت، آزادی برابری باید در همه جا بدرخشد. در اول مه باید علاوه بر تاکید بر خواستهای همین امروز کارگران، خواست افزایش دستمزدها، لغو قراردادهای موقت کار و پرداخت فوری تمامی دستمزدهای پرداخت نشده و اعلام حق تشکل و حق اعتصاب و آزادی بیان و عقیده شعار نه جنگ نه بمب اتمی آزادی برابری، یک کره زمین یک انسان، نه خود را به دو قطب تروریست جهانی اعلام کرد و همبستگی بین المللی کارگری را فریاد زد. با این شعارهاست که طبقه کارگر تمایز خود را با جبهه های راست طرفدار جنگ و جمهوری اسلامی هر دو متمایز میکند و نه تنها در ایران بلکه در سطح بین المللی میتواند در صف پیشتاز بشریت قرار گیرد. همه میدانیم دنیا به ایران چشم دوخته است و صدای رادیکال، انسانی در مقابل فضای جنگی کنونی بر فضای بین المللی نیز تاثیر مهم خواهد

داشت. در کل میخواهم بگویم که بعد از شانزده آذر سرخی که پشت سر گذاشتیم، بعد از هشت مارس و تجمعات هزاران نفره معلمان که شعار سوسیالیسم بپاییز برای رفع تبعیض بلند شد، میتوان انتظار داشت که اول مه امسال باید سرخ و با شکوه باشد و ابهت مارش آن با سرود انترناسیونال دنیا را متحیر کند.

انترناسیونال: در آستانه اول مه، معلمان در شهرهای متعددی به اعتصاب دست زده اند. کمی در باره اهمیت این اعتصاب در این مقطع صحبت کنید و اینکه چگونه میتوان تقارن این اعتصاب و اول مه را به نفع گسترده برگزار کردن این روز و اتحاد بیشتر جنبش کارگری مورد استفاده قرار داد؟

شهلا دانشفر: اعتصاب معلمان یکی از توده ای ترین و بزرگترین اعتصابات در طول حیات جمهوری اسلامی بوده است. این اعتصاب فضای سیاسی جامعه را تغییر داده است. این اعتصاب در کنار تجمعات هزاران نفره معلمان در مقابل مجلس توازن قوای سیاسی جامعه را به کل عوض کرده است. این اعتراضات کارگران، معلمان و کل جامعه را به قدرت عظیم خود واقف تر کرده و بیش از پیش ترس جامعه را برای دست زدن به اشکال تعرضی تر مبارزه از بین برده است و طبقه کارگر و کل جامعه را در موقعیت بهتری برای مبارزات متحد و عمومی قرار داده است. این اعتراضات بطور واقعی کل جنبش سرنوختی را در شرایط تعرضی تری قرار داده است. بنابراین جایگاه و اهمیت سیاسی این مبارزات روشن است. اکنون تقارن این اعتراضات به اول مه بدون شک تاثیر خود را بر اول مه و توده ای شدن و گسترده بودن این روز میگذارد. باید با توجه به این موقعیت سیاسی مناسبی که در آن قرار گرفته ایم به تدارک اول مه برویم. اعتراضات معلمان امروز یک نقطه قوت ما برای بسیج کل جامعه و برپایی یک اول مه بزرگ و با شکوه است. با توجه به همه اینها روشن است که باید با تمام قوا این اعتراضات را مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهیم و مبارزات معلمان باید با یک همبستگی وسیع در سطح جامعه همراهی شود. دانشگاهها نقش مهمی در این زمینه دارند و میتوانند با اعلام

از صفحه ۱ مصاحبه اشmit سلامون ...

اند، با همراهی و مشارکت اشmit سلامون انجام گرفت.

میکنایل اشmit سلامون از امضا کنندگان اولیه بیانیه جبهه سوم در آلمان بود. اشmit سلامون کتابهای زیادی نوشته و یکی از کتابهایش به اسم "مانیفست تکامل انسانگرایی" در هفته گذشته بعد از یک مصاحبه تلویزیونی او در مورد آتیسسم و جنبش رادیکال و اومانستی جدید در دنیا در دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی، بعد از هری پاتر در راس کتابهای پر فروش قرار گرفت.

در گفتگوی زیر، اشmit سلامون با مینا احدی و آرزو توکر سوالاتی را در مورد اهداف این سازمان و تجارب شخصی آنها در این مدت در میان میگنارد.

انترناسیونال

سلامون: مینا و آرزو عزیز، چهار هفته از برگزاری کنفرانس مطبوعاتی در برلین میگذرد. زمان آن رسیده که اولین نگاه را به کارنامه کارمان بیندازیم، آیا تاثیر این حرکت روی جامعه انتظار شما را از آن برآورده.

مینا احدی: بله البته، پاسخ جامعه به این جریان خیلی بیشتر از انتظار ما بود. از آن تاریخ تا امروز روزی نبوده که ما مصاحبه مطبوعاتی نداشته باشیم. کمپین ما را میشود در صفحه اول جراید نه فقط آلمان بلکه در سطح دنیا دید. خیلی از رادیو و تلویزیونها در مورد این جریان گزارش تهیه و پخش کردند. در اینترنت هم بیش از صدهزار صفحه وجود دارد که در باره ما نوشته اند. به هر حال با یک چنین انعکاسی و در این سطح ما نمیتوانستیم فکرش را هم بکنیم.

توکر: برای من نامه های شخصی افراد جالب بود، از ما تعریف و تمجید بیش از حدی شد. مردم از ما بخاطر نرفتنی ادعای اسلام، مبنی بر داشتن حقوق مطلقه، تشکر کردند. طبیعتاً ما چند روزی لازم داریم تا به همه نامه ها و ای میل های فرستاده شده بپردازیم، با توجه به اینکه فرستادن نامه ها همچنین ادامه دارد. همین جا میخواهم از تمام کسانی که با نوشته هاشان روحیه ما را تقویت کردند تشکر کنم.

سلامون: شما احتمالاً با عکس العمل های منفی هم روبرو شدیداید. بی دلیل نیست که شما را تحت

محافظت پلیس قرار داده اند.

توکر: راستش در این مورد نمیخواهم حرفی بزنم چون بیشتر به زندگی خصوصی من مربوطه. البته من هم دوست دارم که بتوانم مستقل زندگی کنم. از قبل برای ما روشن بود که ترک اسلام مجازاتش مرگ است و هر دیوانه ای میتواند وظیفه خود بداند مجری این حکم بشود. برای ما جالب کردن هر چه بیشتر مردم در این سازمان و تقویت جنبش برای حمایت از ارزشهای انسانی خیلی مهم است، هر چه اعضای ما بیشتر باشد امکان در خطر افتادن ما کمتر است.

سلامون: خانم احدی شما چطور زندگیتان را در این وضعیت، منظوری خطر دائمی و تهدید میگذرانید؟

احدی: حکم قتل من از سالهای پیش از طرف ملاهای ایران صادر شده و به این اعتبار با این مساله من میتوانم خودم را وفق بدهم. من همیشه از طرف دوستان در مجامع عمومی مورد مراقبت قرار داشته ولی اذعان میکنم که خطری که الان مرا تهدید میکند قابل مقایسه با قبل از اعلان کمپینمان نیست. کارهای روزمره به سختی انجام داده میشود و هر اقدام من باید از قبل با مراقبینم در میان گذاشته شود. این وضعیت میتواند افرادی که زیاد در اهدافشان مصمم نیستند به عقب نسینی وادارد.

سلامون: با توجه به این همه مشکلاتی که شما با آن روبرو شدید آیا از اینکه ما کمپینمان را به این شکل یعنی تهاجمی و تحریک کننده راه انداختیم، پشیمان نیستید؟

احدی: به هیچ وجه. من سالهاست که سعی میکنم افکار عمومی در کشورهای اروپائی را به نقض حقوق بشر و همچنین جنایاتی که نیروهای اسلامی در سطح جهان میکنند، جلب کنم. در ابتدا تصور میکردم که اگر در خارج از ایران مردم بشنوند که در ایران زنان فقط بخاطر رابطه جنسی به قول اسلاميون نامشروع سنگسار میشوند، سعی خواهند کرد که حکومتهايشان را به برخورد با این مساله وادارند. متأسفانه صدای ما به دلیل بایکوت وسایل ارتباط جمعی در سطح وسیع منعکس نشد. خوشبختانه با وجود کمپینمان

وضعیت تغییر کرده و حرف ما در سطح غیر قابل تصویری نسبت به قبل پخش میشود. به همین خاطر من

این روزها را جزو بهترین لحظات عمرم میدانم و احساس خوشبختی میکنم.

توکر: من چون با منطقی و شعور دست به عمل میزنم، هیچ وقت هم از عمل خودم پشیمان نمیشوم. شرایط امروز هزاران مرتبه با وضعیت سابق که ما با معجونی از لاپوشانی کردن و بزدلی روبرو بودیم بهتر است. در این رابطه یاد آقای خبرنگاری می افتم که در کنفرانس مطبوعاتی ما در برلین با سوالش نزدیک بود کنترل من را به هم بزنه...

سلامون: منظور شما آن آقای مسن میباشد که با لحن تندى از شما پرسید که چرا شما تازه به فکر تشکیل سازمانتان افتادید؟

توکر: دقیقاً، من سالهای سال با تمام قدرت و امکاناتم همان طور که در آثار مکتوبم هم دیده میشود، سعی کردم این دیوار جهل را بشکنم. الان من چیز تازه ای نسبت به سابق نمیگم. ازدواج اسلامی-اجباری، قتلهای ناموسی، ستم بر زن، روابط جنسی، همجنسگرایی، دشمنی با علم موضوعاتی هستند که من سالهاست سرشان صحبت و انتقاد میکنم. ولی همه خودشان را تا قبل از کمپینمان به نشنیدن زده بودند. این دیگر برای من کاملاً روشنیه که اگر ما کمپینمان را تهاجمی شروع نمیکردیم آن آقای خبرنگار هم به خودش زحمت آمدن به آن کنفرانس را نمیداد. در اینجا من این سوال را مطرح میکنم که چرا اصطلاح تحریک در مورد عمل ما استفاده میشود. این باید جزو حقوق ابتدائی هر کسی در جامعه باشد که دین خود را طرد کند، وقتی به اشکالات و ضدانسانی بودن آن مذهب پی میبرد. همینطور کار آگاهگرایانه و نقد قبول بی قیدو شرط مذاهب باید آزاد باشد. به نظر من مشکل در معنی کردن طرد یک مذهب به تحریک است. نقد و طرد یک دین را تحریکات مینامند در حالی که چیزی که بهش تحریک کردن میشود گفت این است که سیاستمداران کشور آلمان میروند و جریانات اسلامی را سازماندهی میکنند که بتوانند با آنها به عنوان نماینده خارجیان سر میز مذاکره بنشینند.

سلامون: این نظرتان را شما در کنفرانس مطبوعاتی برلین برای همه روشن کردید. در کنفرانس نامبرده اتفاقی افتاد که برای من تازه گی داشت و آن دست زدن خبرنگاران برای

شما بود. معمولاً آنها سعی میکنند ظاهر بیطرفشان را حفظ کنند. در این باره یا چند نفر از خبرنگاران صحبت کردم و آنها هم با من در این نکته هم عقیده بودند.

احدی: من فکر میکنم ما چیزی را بیان کردیم که دیگران از ابراز آن میترسیدند. سازمان نوپای ما جو سیاسی و موضوعات مورد مشاجره در جامعه را تحت تاثیر قرار داد...

سلامون: این ادعای شما را میشود به وضوح در صحبتتهائی که حول حکمی که یک قاضی آلمانی در یک مشاجره خانوادگی دادند، مشاهده کرد. این حکم به "حکم قرآن" معروف شد.

توکر: دقیقاً، اگر ما نبودیم این موضوع به شکل دیگری طرح میشد. شاید اصلاً کسی از آن باخبر نمیشد چون در دادگاههای آلمان احکامی از این دست زیاد صادر شده، بلون اینکه صدای اعتراضی بلند شده باشه. اینبار تمام احزاب و شخصیتهای سیاسی در این باره صحبت کردند. تا بحال کسی آشکارا "نسبیت فرهنگی" را مورد انتقاد قرار نداده و از ارزشهای جهانشمول انسانی با صراحت و قاطعیت دفاع نکرده بود.

سلامون: واقعاً حیرت آور بود که چقدر سریع ورق برگشت. ناگفته نماند که شما از طرف جریاناتی مورد تعریف و تمجید قرار گرفتید که معمولاً جزومخالفین شما به حساب میآیند. آقای Ulfkotte متعلق به جریانات دست راستی میخواهد فرصت طلبانه از انتقاد به اسلام ارزشهای مسیحی-محافظة کارانه را تقویت کند.

توکر: این حرکات کاملاً مخالف خط ما میباشد و ما از این جریانات فاصله میگیریم. از اسلام انتقاد کنی تا به بنیادگرایی مسیحی برسی، مثل اینه که شما طاعون را با وبا عوض کنید. این هدف ما نیست و برای ما ارزشهای انسانی و جنبش آگاهگرایانه مهم است. اینها ارزشهایی هستند که باعث پیشرفت بشر شدند. مذهب آدمیت و شعور انسان را از ما میگیره.

سلامون: همان طور که شما هم در جریان هستیید جریانات چپ هم از شما انتقاد کردند مثلاً در نشریه جهان نوشته شد که شما آب به آسیاب آمریکا میریزید و حرکت شما باعث تشدید تنفر از اسلام میشود.

احدی: من این حرف را قبول ندارم و از

دعوای این دو گروه اصلاً سر در نمیبارم. یکی به اسم "ضد آلمانی" جریانی است که از اسلام سیاسی به عنوان جریان مستبد و سیاه انتقاد میکند ولی به خاطر گذشته آلمان در جنگ دوم جهانی جرئت انتقاد از سیاستهای حکومتهای اسرائیل و آمریکا را به خود نمیدهد. دسته دوم جریانات "ضدامپریالیست" هستند که از سیاستهای دول اسرائیل و آمریکا انتقاد میکنند ولی از جریانات اسلامی دفاع میکنند. اینها فکر میکنند که دشمن دشمن یقیناً دوست است. با این سیاست و روش باید مقابله کرد. ما این را قبول نداریم که مخالف احمدی نژاد موافق سیاستهای دولت "پوش" است. ما به عنوان "جبهه سوم" با هر دو یعنی اسلام سیاسی و تروریسم دولتی آمریکا میجنگیم. کسی که برای ارزشهای انسانی مبارزه میکند در سیاست ما تناقضی نمیبیند.

سلامون: من با نظر شما موافقم. نکته جالبی که ما شاهد آن بودیم کم توجهی سازمانهای اسلامی به سازمان شما بود در حالی که سازمانهای به اصطلاح ضدامپریالیستی زیاد در مورد شما نظر دادند. در خفا سازمانهای اسلامی گفتند که شما تنفر از مسلمانان در اروپا را دامن میزنید و همچنین تمایلات ضد خارجی در جامعه را تقویت میکنند. شما در این باره چه نظری دارید؟

احدی: ما مخالف اسلام هستیم چون قوانین اسلام هیچ مطابقتی با حقوق و ارزشهای انسانی ندارد. اما این به آن معنی نیست که ما همه کسانی که مثلاً در خانواده مذهبی دنیا آمده اند و تربیت شده اند را مورد انتقاد قرار میدیم. همه تلاش ما بر این است که به این افراد نشان بدهیم که خارج از دنیای دگمی که آنها درش قرار گرفته اند، دنیای بهتری وجود دارد، در اروپا بشریت با مبارزه طولانی خودش حقوقی را برای شهروندان از جمله زنان و کودکان تضمین کرده که از این حقوق مثلاً زنان و دختران در خانوادههای مسلمانان کمتر اطلاع دارند. سازمان ما سازمانی نیست که فقط اهداف و علائق افرادی که اسلام را طرد کرده اند را دنبال میکند. ما از همه افرادی که مورد ستم واقع میشوند مثلاً زنان در محیط خانواده دفاع میکنیم و کسانی که به ما رو می آورند میتوانند مسلمان هم باشند

از صفحه ۱ مصاحبه اشमित سالامون ...

وما هیچ شرط وشروطی برای کمک به افراد نمیگذاریم.

توکو: برای من دیگر قابل تحمل نیست که کسانی بیایند جای من حرف بزنند و خود را وکیل وصی دیگران بدانند. این حسابیه که من باید با مذهب صاف کنم، مذهبی که من ناخواسته درش شکل گرفتم و به کسی هم مربوط نیست که من راجع به مثلاً مذهب چی میگم. برمیگردم به نکته شما یعنی انتقادی که از ما کردند و ما متهم شدیم به تقویت تمایلات ضد خارجی. در اصل این انتقاد بیشتر به خود جریانات اسلامی وارد است. اگر ادعاهای اینها مبنی بر مومن بودن سه و نیم میلیون مسلمان در آلمان را بپذیریم و این مترادف خواهد بود با شهروند درجه دو به حساب آمدن زنان و محدود کردن آزادی بیان و برقراری قوانین شریعه. این تصویری است که ارگانهای اسلامی از مهاجرین میخواهند بدهند و این تصویر باعث ایزوله شدن خارجیان در جامعه میشود. کسی دوست ندارد که در همسایگیش یک موجود وحشی و مرتجع (همان تصویری که جریانات اسلامی از مسلمانان میدهند. انترناسیونال) باشد و روی این نمیشود تمایلات ضد خارجی اسم گذاشت. خوشبختانه واین بسیار تعیین کننده است که اکثریت قشر نامبرده مذهبی نیستند، بعضی اعتقادی به خدا دارند ولی لیبرال هستند و خیلی هم مثل ما مذهب را طرد کرده اند ولی بخاطر ترس در این باره حرفی نمیزنند.

سالامون: اگر درست حرف شما را فهمیده باشم، شما ضمن برخورد با پیشداوریهها و عمومیت دادنها و برداشت کلیشه ای از خارجیان به نوعی با تمایلات ضد خارجی میچنگید.

توکو: دقیقاً، ما میخواهیم این تصویری که در جامعه از ما داده شده و در آن گروه های اسلامی و همچنین

حزب دست راستی نقش بزرگی داشته اند را از بین ببریم. ما به همه میگوییم که بدون پیشداوری قضاوت کنید، شاید همسایه ای که تو را از خیلی مومن، ناآگاه و مسلمان فرض کرده ای از تو لیبرال تر و آگاهتر باشد. شاید او غروب کتابهای کانت و نیچه را میخواند. شاید او هم مخالف قوانین ارتجاعی و مردسالارانه اسلام باشد.

سالامون: خواسته ها و مطالبات سیاسی شما تا جایی که مربوط به کشور آلمان میشود در جراید مفضلاً منعکس شد. در مورد مطالبات بین المللی شما کمتر صحبت شد. با توجه به اینکه شما فرصت پیدا کردید که با مخبرین خارجی تماس و مصاحبه داشته باشید، میخواهم ببرسم که انعکاس آن در سطح بین المللی چطور بود؟

احدی: انعکاس آن در سطح جهانی چشمگیر بود. ما از اقصی نقاط جهان و از همه مهمتر از کشورهای مثل ایران که تحت سلطه حکومت استبدادی-اسلامی هستند، نامه دریافت میکنیم. ما توانستیم حمایت منتقدین مشهور اسلام مثل تسلیمه نسرين و ابن واروق را بگیریم. به زودی ما شاهد برپائی سازمانهایی مثل سازمان خودمان در کشورهای دیگر خواهیم بود. اقدام بعدی ما ایجاد شورای جهانی مسلمانان سابق میباشد. برای اینها ما باید زیاد تلاش بکنیم ولی تا همین جا تاثیر سازمان ما در جوامع اسلامی غیرقابل کتمان است. شاید حرکت ما سرآغاز جنبشی جهانی و آگاهگرایانه بر پایه انتقاد از اسلام بشود.

سالامون: امسال شما برنامه های زیادی را پیش رو دارید و مهمترین آن "کنفرانس انتقادی اسلام" است که در ماه نوامبر در برلین برگزار میشود.

توکو: خوشبختانه در به پیش بردن این پروژه ما تنها نیستیم و آقای هارتموت کراس از روزنامه

هینترگوند مسئولیت پیشبرد آن را کاملاً به عهده گرفته. در ثانی سازمانها و گروه هایی که ما را همیشه حمایت کردند جزو شرکت کنندگان کنفرانس هستند.

احدی: در اینجا لازم میدانم که تمام کسانی که ما را تا بحال کمک کردند تشکر کنم به خصوص از تو خیلی ممنونم که ایده یک چنین کمپینی را مطرح و راه انداختی. همچنین از آقای هربرت شتفان و سازمان جردانو برونو برای درست کردن وب سایت و چاپ بروشورها و سازماندهی کنفرانس مطبوعاتی ما در برلین تشکر میکنم. افرادی که من باید ازشان قدردانی بکنم زیادند و بدون آنها این موفقیت هرگز حاصل نمیشد.

توکو: ما امیدواریم در آینده هم این حمایتها ادامه پیدا کند.

سالامون: تصور شما از حمایت چیه و به چه اشکالی میشود به شما کمک کرد؟

توکو: برای مثال ما همه کسانی که اهداف ما را قبول دارند دعوت میکنیم عضو سازمان ما بشوند و قابلیتهای خودشان را برای پیشبرد این اهداف در اختیار این حرکت بگذارند. ما امید و یا بهتر است بگم توهم گرفتن کمک از وزیر داخله آلمان را نداریم. ما فقط روی کمک اعضای خودمان حساب میکنیم. تمام مهاجرین از کشورهای اسلامی میتوانند عضو رسمی سازمان ما بشوند و افرادی مثل شما که "مسیحی سابق" هستند میتوانند عضو افتخاری سازمان ما بشوند. ما شدیداً نیاز به کمکهای مادی و معنوی همه داریم.

سالامون: بله، متأسفانه بودجه ما محدوده ولی من مطمئن هستم که به جز سازمان جردانو برونو، هستند شخصیتها و سازمانهایی که حاضرند شما را کمک کنند.

احدی: من هم همینطور فکر میکنم. ما کارهای زیادی در پیش داریم و هر نوع کمک برای ما اهمیت دارد.

سالامون: مینا و آرزوی عزیز، من از

از صفحه ۲ ستون اول

شعار به نحو چشمگیری در این تظاهرات عظیم به چشم میخورد: "ترکیه لاییک و سکولار است و لاییک و سکولار خواهد ماند"، "تحمل و تالرانس معنایش این نیست که در مقابل ارتجاع اسلامی هم باید تحمل به خرج داد". یک زن، در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود، در مقابل خبرنگاران بین المللی اعلام کرد که هرگز چادر بسر نکرده است و حاضر نیست اسلامیها سر کار بیایند و چادر بر سرش کنند! این مهم نیست که که فراخوان دهندگان تظاهرات از نظر سیاسی به چه طیفی سیاسی و ایدئولوژیک تعلق دارند. این مهم است که آن صدها هزار انسان علنا و با صدای بلند اعلام کردند که نمیخواهند به ارتجاع اسلامی تن دهند. صد ها هزار انسان در ترکیه، در تظاهرات روز شنبه به نبرد جهانی مردم آزادیخواه و سکولار علیه جنبش اسلامی پیوستند.

آته ایسم در آلمان

در آلمان یک تعرض همه جانبه علیه جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی آغاز شده است. مینا احدی عضو رهبری حزب کمونیست کارگری به همراه تعداد دیگری از کادرهای حزب و انسانهای آته نیست و آزادیخواه و سکولار از کشورهای مختلف تعرض وسیعی علیه اسلام سیاسی و برای جامعه ای رها از ارتجاع مذهبی و بویژه اسلام سیاسی آغاز کرده اند. آنها کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" را اعلام کرده اند و قاطعانه علیه ارتجاع خونین و کثیف اسلامی اعلام جنگ کرده اند.

ویژگی این تعرض این است که در آلمان (کشوری که بیشتر از همه کشورهای غرب با جمهوری اسلامی به عنوان سرکرده جنبش اسلامی لاس زده است) و توسط انسانهایی از کشور ایران (کشوری که در آن جنبش اسلامی در حال حاضر به عنوان حکومت اسلامی بر سرنوشت مردم حاکم است و مردمش برای سالها قربانیان اسلام سیاسی بوده

اند) شروع شده است. اتفاقاً معاون این کمپین، آرزو توکر، از کشور ترکیه است. همان کشوری که شنبه هفته گذشته شاهد بزرگترین تظاهرات برای دفاع از ارزشهای سکولار بود. ایران، کشوری که جنبش اسلامی ۲۸ سال پیش در آن به قدرت رسید و الان هم در قدرت است محل صدور آته یسم و سکولاریسم به اقصی نقاط جهان شده است. به نظر میرسد کمز این جنبش بغایت کثیف و ارتجاعی و عقب مانده و آدمکش را جنبشی خم میکند که از ایران، مرکز به قدرت رسیدن جنبش اسلامی، سر برآورده است و شخصیتهایش به جنبش آته نیست و سکولار و کمونیستی از همین کشور متعلق هستند. جنبش اسلامی دستان خونینش را به جهان دراز کرده است. جنبش سکولار، آته نیست، آزادیخواه و برابری طلب هم باید در سطح جهان این جنبش را به مصاف بطلبند. کمونیستهایی از ایران، کشوری که تحت سلطه اسلام سیاسی است با قدرت این جنبش علیه ارتجاع اسلام سیاسی را رهبری میکنند. به این جنبش پیوندید تا شری این جنبش کثیف را از سر مردم جهان و علی الخصوص مردم خاورمیانه و ایران کوتاه کنیم.***

در همین شماره مصاحبه ای با مینا احدی و آرزو توکر، رئیس و معاون کمپین "ما از مذهب رویگردانیم" چاپ شده است. این مصاحبه جنبه های مهمی از این نبرد علیه اسلام سیاسی را روشن میکند. حتماً این مصاحبه را بخوانید.

انترناسیونال

انترناسیونال

نشریه حزب

کمونیست

کارگری را

بخوانید و در

سطح وسیع

توزیع کنید

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید

را بزرگ و توده ای و به روزی تاریخی تبدیل کند و سرآغازی باشد برای یک اعتراض متحد و سراسری در کل جامعه. باید به استقبال چنین روزی برویم. *

کمک مالی

برای چاپ انترناسیونال

در تورنتو - کانادا

جمشید هادیان ۱۰۰ دلار

نینا تابان ۱۰۰ دلار

بابک یزدی ۱۰۰ دلار